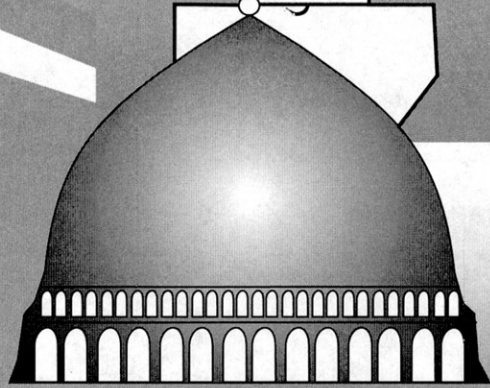
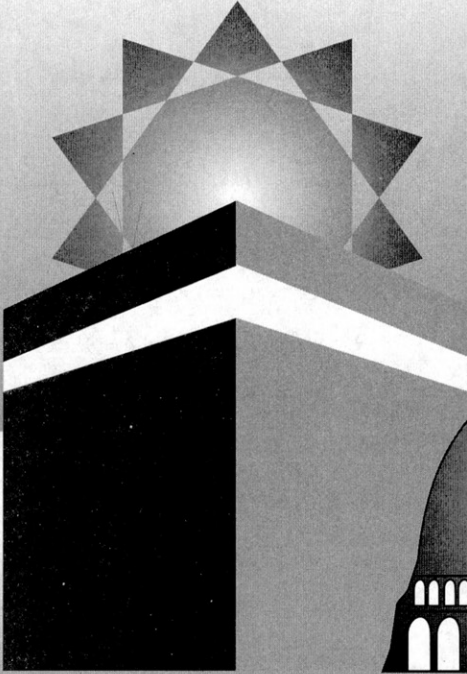
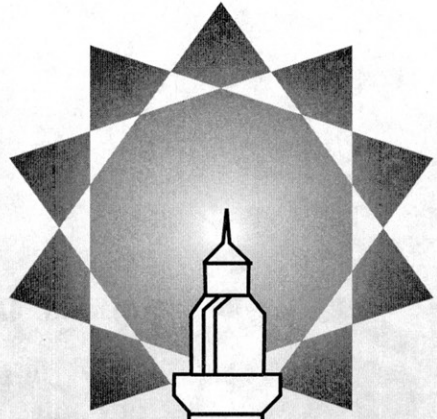
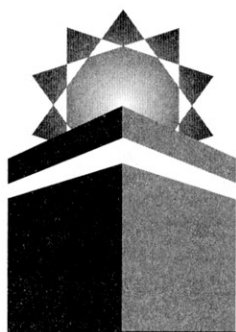


خاطرات

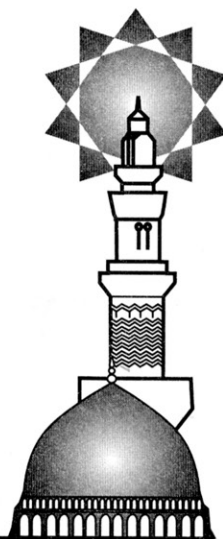




درون کعبه در دو دیدار

(گزارشی از دوبار تشریف به داخل کعبه
در شعبان المعظم ۱۴۱۶ و شعبان المعظم ۱۴۱۷)

هادی فرهنگ انصاری



در موسمی معین، خود را به حرم امن الهی می‌رسانند.

در اواخر رجب سال ۱۴۱۶ هـ. ق. مطابق با دی ماه ۱۳۷۴ ش. جهت انجام عمره رجبیه و شعبانیه، توفیق نصیب گردید و راهی آن دیار پر برکت شدم و پس از یک هفته توقف در مدینه پیامبر و زیارت تربت پاکش و زیارت قبور ائمه اطهار و صدیقه کبری، حضرت زهرا - علیهم السلام - و دیگر بزرگان مدفون در تربت بقیع و درک مواقع متبرکه در این شهر، به سوی مکه رهسپار گشتم.

روز شنبه، ۵ شعبان المعظم، وارد مکه شده، پس از انجام مراسم عمره، از

«لله على الناس حج البيت»

با این پیام کوتاه که از تأکید خالی نیست، زیارت خانه کعبه بر مسلمانان مستطیع واجب شده است. این پیام بنابر روایات، از هزاران سال پیش؛ یعنی از زمان آدم ابوالبشر - ع - و پس از او سلسله جلیله انبیا همگی به زیارت این جایگاه آمده و در این مکان به راز و نیاز و پرستش معبود خود پرداخته‌اند. تا آن که ابراهیم خلیل - ع - پس از بنیان کعبه، به دستور پروردگار بر روی کوه ابوقبیس آمد و ندای «هلموا الى الحج» را سر داد، که خداوند ندای او را به گوش جهانیان رسانید. از آن زمان تا کنون، همه ساله گروهی از مسلمانان از دور و نزدیک،



مسجد به وجود می‌آورد. آن زمان که آفتاب از پس تاریکی خارج گردیده و اشعه‌های آن، همچون دستانی که از طرف عاشق به سوی معشوق دراز می‌شود، خود را به بیت رسانده و در این لحظه تمامی چراغهای مسجد الحرام خاموش می‌گردد و در پس آن، این منظره، شکوه خاصی را به این انجمن می‌دهد.

ساعت حوالی ۷ صبح بود که طبق معمول عازم هتل بودم، ناگاه تعداد زیادی از پلیس‌های حرم وارد مسجد شدند و به شیوه خاصی، در حالی که دستها را به زنجیر کرده بودند، پشت به خانه و رو به مردم، ابتدا خود را به کعبه چسبانیده و کم کم زنجیر و حلقه خود را بازتر می‌کردند، به طوری که پس از چند دقیقه، تمامی طواف کنندگان را به پشت مطاف منتقل کردند. البته این وضعیت از رکن حجر الاسود آغاز و تا رکن غربی حجر اسماعیل ادامه داشت.

چون بیشتر نیز این گونه خالی کردن مطاف را دیده بودم، متوجه شدم که بنا است درب کعبه بر روی بازدید کنندگانی باز شود. و من که همواره در این دیار لباس خود را عوض نموده، و با پیراهن عربی بلند و عبایی بدوش و عرق چین و چفیه‌ای بر سر ظاهر می‌شدم، به سوی مطاف به حرکت در

احرام خارج گشتم و بعد از ادای فریضة نماز صبح در مسجد الحرام، به سوی هتل محل اقامت خود؛ یعنی فندق زینی الجدید حرکت کردم.

همه ساله معمولاً قبل از اذان صبح، خود را به حرم رسانده و در جای جای حرم امن الهی، گاهی بر روی کوه صفا و گاه بر کوه مروه، گاهی در کنار رکن یمانی و گاه در مقابل حجرالاسود، گاه در مقابل حجر اسماعیل و زمانی در کنار مقام، لحظاتی را در حطیم و دقایقی را در مستجار، گاهی بر دهانه زمزم و گاه بر کنار رکن شامی و بالاخره در نقاط مختلف این حرم با صفای الهی، در مقابل بیت زانو زده و با رب البیت به مناجات می‌پرداختم. نظاره بر بیت، خود صفایی خاص دارد، طواف دور معشوق از آن زیباتر و تلاوت قرآن؛ یعنی تکلم با خداوند از آن شیرین‌تر است. به هرحال لحظات خود را اینگونه سپری می‌کردم و چه زودگذر بود!

صبح روز دوشنبه، ۷ شعبان، طبق معمول به حرم مشرف شده، و پس از ادای فریضة صبح و طواف برگرد خانه خدا، به تلاوت آیاتی از قرآن پرداختم.

طلوع آفتاب و تجدید بیعت این کره آتشی با خانه خدا، منظره بسیار زیبایی را در

آمد. در این حال با خدای خود به راز و نیاز و تضرع و التماس در آمدم؛ خداوندا! بار الها! توفیق تشرف را به این بنده رو سیاه و گناهکار خود نصیب گردان. در اطراف حلقه پلیس در حرکت بودم که شاید راه نفوذی پیدا کنم. به چندین نفر از سران پلیس مراجعه کردم لیکن مایوس برگردانده شدم. در این حال بود که گروهی، حدود ۸۰ نفر، در حالی که اطراف آنان را پلیس محاصره کرده بود، وارد مسجد الحرام شده، و به مقابل حجر اسماعیل آمدند و تا آماده شدن مقدمات ورود به بیت، آنان را در آن نقطه بر زمین نشانند. میهمانان سران علما و مفتی‌های کشورهای اسلامی - آسیایی و آفریقایی - بودند که همه ساله کنگره‌ای در تاریخ ۶ الی ۸ شعبان در مکه تشکیل می‌دهند و یک روز هم افتخار تشرف به داخل بیت به آنان داده می‌شود.

در این لحظه بود که چهره شخصی که سمت میزبانی این افراد را داشت و چهره ملایمی می‌نمود، به نظرم آمد. با نذر و نیاز در حالی که به ائمه اطهار - علیهم السلام - متوسل شده بودم به سوی آن شخص به حرکت در آمدم و خود را به عنوان پزشک معرفی نمودم.

آن مرد با رویی گشاده از من

استقبال نمود لیکن اظهار کرد که لازمه ورود به درون کعبه، دارا بودن کارت مخصوص است.

بدو گفتم که این را می‌دانم لیکن به من الهام شده است که به من کمک خواهی کرد!

اینجا بود که وی مفتی لبنانی را که در وسط آن جمع نشسته بود به من نشان داد و گفت: از او تقاضا کن، بدو گفتم مشکل بنده همین است که اجازه ورود بدان جمع به من داده نمی‌شود. او دست مرا گرفت و به داخل جمع برد و به شخصی کوچک اندام، موقر، سفیدرو و بسیار خوش رو، دارای محاسنی بلند که در وسط حلقه نشسته بود معرفی کرد. او دکتر احمد قبانی مفتی لبنان بود. دکتر قبانی با من دست داد و در کنار خود جایم داد. پس از چند لحظه احوالپرسی، مشغول صحبت در مورد کنگره و مسائل مورد بحث در آن شدم، که در این لحظه با اشاره مأموران همگی به حرکت در آمده و به سوی حجر اسماعیل راهنمایی شدیم. چند لحظه‌ای در حجر متوقف شدیم تا عده‌ای که داخل بیت بودند، خارج شوند و ما راهنمایی شویم.

در این لحظه میهمانان یکی یکی به سوی دکتر قبانی و سایرین آمده و با هم



پلکان صدا زد: ۲۰ نفر وارد شوند. یکی پس از دیگری به کنار نردبان رفته و پس از تحویل کارت خود، او را به روی پلکان راه می‌دادند. نفر ششم یا هفتم کسی بود که شاید مانند اینجانب بدون کارت وارد شده بود، او را از صف خارج کردند و به التماس‌های مکرر او وقعی ننهاده و با شدت او را از حلقه پلیس اخراج نمودند.

با دیدن این منظره، ضربان قلب من تندتر شد، خدایا! بار الهایا! من رو سیاه و شرمنده و سرافکننده به کنار درب خانه‌ات آمده‌ام. تو خود گفتی که در هنگام نیاز به درب خانه خودم بیایید. حال آمده‌ام. افتخار تشرف به داخل را به من عطا فرما. متوسل به ائمه اطهار شده بودم. حاشا به کرم‌تان، من شیعه مرتضی علی، این سعادت را نداشته باشم که در میان جمع حاضر توفیق تشرف به داخل بیت بیابم! لحظات می‌گذشت و من نفر شانزدهم در صف بودم، به نفر سیزدهم یا چهاردهم که رسید، مأمور کنار پلکان تعویض شد و شخصی که مسؤول گرفتن کارت گردید. همان شخصی بود که مرا به داخل حلقه راه داده بود. چیزی جز معجزه نبود! وقتی نوبت به من رسید با زدن چشمکی، مرا رد نمود و پا را بر روی پلکان درب خانه خدا قرار دادم. هفت پله

به گفتگو پرداخته و گاه همدیگر را به هم معرفی می‌کردند و من از ترس آن که مبادا شناسایی شوم، با صدای بلند آیات زیبایی از قرآن را که حالت استغاثه داشت با صدای بلند شروع به تلاوت نمودم و سایرین هم به دنبال من این آیات را تکرار می‌کردند.

«رَبَّنَا اَنْتَا سَمِعْنَا بِمَنْدَابِیْ
لِلْاِيْمَانِ اَنْ اَمْنُوْا بِرَبِّكُمْ فَاَمَّا، رَبَّنَا لَا تُرِغْ
قُلُوْبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا، رَبَّنَا اِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ
لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيْهِ فَاغْفِرْ لَنَا وَاَرْحَمْنَا وَتُبْ عَلَيْنَا
اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ» (آل عمران: ۱۹۳)

لحظات شیرین و زیبایی گذشت، همه دستان خود را در حجر و در زیر ناودان رحمت الهی، دراز کرده و عده‌ای هم اشک ریزان، آیات تلاوت شده را تکرار می‌نمودند. پس از اتمام، صدای احسنت یا شیخ، احسنت یا شیخ از اطراف حجر بلند شد و در این لحظه بود که همگی را به صف کرده و به نزدیک پلکان درب خانه خدا، هدایت نمودند. تمامی افراد، هر کدام کارتی به سینه زده بودند که عبارت زیر به آن نوشته شده بود:

رابطة العالم الاسلامی - الامانة
العامّة - مكة المكرمة؛ بطاقة دخول الكعبة
المشرفة الدورة رقم (۱۶)

در این حال یکی از افراد، از بالای

ابتدا داخل کعبه تاریک بود، بطوری که چشمان ما فقط یک قدمی را می‌دید. چون داخل بیت از هیچ وسیله تهویه و روشنایی استفاده نمی‌شود. با این که دمای هوای بیرون بسیار لطیف و خنک بود لیکن داخل بیت از گرمایی حدود ۴۰ درجه گواهی می‌داد.

جمعیتی بیش از ۴۵ نفر در داخل مشغول راز و نیاز و نماز بودند. ابتدا در کنار رکن حجر الاسود به نماز ایستادم و دو رکعت نماز خواندم و به همین ترتیب در چهار رکن و به طرف چهار دیوار داخلی کعبه نماز خواندم. در محلی که پیامبر گرمای اسلام در فتح مکه در نزدیکی رکن یمانی ایستاد، نماز به جای آوردم. لحظات زود می‌گذشت و خواسته‌ها فراوان. در داخل بیت حال عجیبی به همه دست داده بود. همه با معبود خود در حال راز و نیاز و اشک و زاری بودند. چند نفر از بنی شیبه، کلید دارهای کعبه هم مرتب ندای «فقط ۵ دقیقه» را می‌دادند و خواهش می‌کردند که زودتر بیت را برای دیگر مهمانان خالی نمایم. پس از خواندن نماز در قسمتهای مختلف داخل بیت، دقایقی را صرف دیدن مناظر و به خاطر سپردن گذراندم و آنچنان وانمود می‌کردم که مشغول دعا می‌باشم.

داشت. هر پله‌ای را که پا می‌گذاردم مانند آن بود که یک طبقه از آسمان را بالا رفته باشم. آن لحظات، هیچگاه برایم قابل توصیف نیست. از شادی در پوست خود نمی‌گنجیدم. در آسمانها سیر می‌کردم. خود را بر فراز مسجد الحرام در طیران می‌دیدم و متأثر در حالی که به پهنای صورت خود اشک می‌ریختم؛ اشک شرمساری، اشک شادی، اشکی که خداوند تضرعهای اینجانب را قبول کرده و این افتخار نصیب شده است. پس از بالا رفتن از هفت پله، پا را در درگاه درب خانه قرار دادم.

لرزش خاصی را در دو پای خود احساس می‌نمودم. لرزش گناهکار در مقابل دادگاه. لرزش شرمساری عبدی در مقابل معبود خود. درگاه درب خانه خدا و من، خداوندا! شکرأ لک. شکرأ لک.

در گاهی را پا نهادم که بارها در سفرهای قبل، در زیر آن دستان خود را دراز کرده و به نقاطی که دستانم می‌رسید، لمس می‌کردم و به چهره خود می‌مالیدم. حال در این درگاه ایستاده‌ام چند لحظه‌ای بدینسان گذشت که ناگاه با نهیب شخصی از افراد بنی شیبه که مرا به جلو هدایت می‌کرد و خوش آمد می‌گفت، به خود آورد و در حال گریه به داخل بیت پا نهادم.

دیگری در پشت کعبه به موازات آن گشود. پس از کشته شدن عبدالله بن زبیر، حجاج بن یوسف ثقفی بخشی را که ابن زبیر تغییر داده بود، ویران و آن را به همان گونه که قریش ساخته بودند، برگرداند.

یعنی از طول آن کم کرد و دربی را که پشت کعبه گشوده بود، بست و درب اصلی بلندتر از زمین قرار داد که هنوز به همین وضع باقی است.

دربهای کعبه ابتدا چوبی بود، در دورانهای بعدی، دربهای بسیار زیبایی برای کعبه ساخته و پس از زراندود کردن و مزین ساختن به سنگ‌های زینتی، بر کعبه قرار می‌دادند.

دربی که هم اکنون نیز بر کعبه است، دربی است که به دستور ملک خالد در سال ۱۳۹۷ هجری ساخته شده است. این درب دارای دو جدار بیرونی و داخلی است که همه با طلای بسیار زیبایی پوشیده شده است. وزن باب کعبه ۲۸۰ کیلو گرم و از طلای خالص ساخته شده است. روی درب کعبه به طرز بسیار زیبایی آیات قرآن به خط ثلث مزین گردیده و قفل مطلای بسیار زیبایی که مزین به آیات قرآن است، درب را قفل می‌نماید.

کلید کعبه هم از طلا ساخته شده

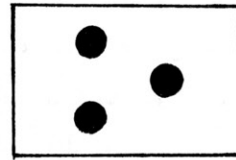
به روایت مورخان، از هنگام بنای کعبه در دوران حضرت ابراهیم - ع - برای کعبه دربی قرار داده نشد و کعبه در آن هنگام ۹ ذراع ارتفاع (در حدود ۴/۴۳ متر) و ۳۰ ذراع طول (در حدود ۱۴/۷۹ متر) و ۲۲ ذراع عرض (در حدود ۱۰/۸۵ متر) بوده است. در آن زمان کعبه، سقفی نداشت. در ترمیمی که زمان قریش صورت گرفت، ۹ ذراع دیگر به ارتفاع آن اضافه گردید و سقفی هم بر آن زده شد و از طول آن حدود سه متر کاهش دادند و به حجر اسماعیل افزودند.

بنابراین، طول کعبه از بنایی که حضرت ابراهیم - ع - ساخته بود کوتاهتر شد. آنگاه در داخل بیت ۶ ستون زده و دو سقف، نخست سقف داخلی را با چوب و سقف بالایی را از سنگ ساختند و اطراف حجر اسماعیل را سنگ چین نمودند که از این پس طواف کنندگان از پشت آن طواف می‌کردند. بنای کعبه تا زمان عبدالله بن زبیر به همین گونه بود تا در اثر تخریبی که در این زمان به وسیلهٔ عامل یزید به بیت وارد شد. ابن زبیر ۹ ذراع دیگر به ارتفاع کعبه افزود و ارتفاع آن را به ۲۷ ذراع؛ یعنی ۱۳/۵ متر رسانید. در خانه هم که از زمان ترمیم قریش بالا برده شده بود، پایین آورد و درب

است و کلیدداری کعبه که از زمان پیامبر-ص - در دست عثمان بن طلحه قرار داشت. حضرت پس از شکستن بت‌های درون کعبه و محو آثار جاهلیت از داخل بیت، مجدداً کلید را به اولاد شیبه عودت دادند که تا کنون هنوز کلید درب کعبه در این خانواده موروثی قرار دارد.

درگاه درب خانه کعبه که از سنگ تیره‌ای ساخته شده است. وسعتی در حدود یک و نیم در یک متر داشته و به اندازه بیست سانتیمتر گودتر از کف داخل بیت قرار دارد.

در درون کعبه سه ستون چوبی مثبت کاری شده از چوب عود وجود داشت که قطر هر یک حدود ۲۵ سانتیمتر به نظر می‌رسید این سه ستون به صورت شکل ترسیم شده در زیر قرار داشت.



دیوارهای دور داخل بیت تا حدود ۲ متر از سنگ مرمر رخام سفید متمایل به زرد کهربایی پوشیده شده بود که کف بیت هم از همین سنگها، فرش گردیده است. همانطور که قبلاً توضیح دادم. کعبه

دارای دو سقف می‌باشد که سقف اصلی از داخل بیت دیده نمی‌شد و روی سقف داخلی کعبه تا لبه سنگها در اطراف با پرده حریر قرمز رنگ پریده‌ای که سالها از قدمت آن گذشته بود، پوشانیده شده است. بر روی پرده، اسامی پروردگار و عباراتی چون «لا اله الا الله»، «محمد رسول الله»، «یا منان»، «یا حنان» و «یا کریم» نقش بسته شده است. ستونها تا مرز سنگهای دیوار، از چوب و باقی بالای آنها را پرده پوشانیده است.

پلکان بام خانه خدا در ناحیه رکن شامی پس از ورود به داخل بیت در دست راست قرار دارد که با پرده‌ای که از بالا بر روی آن افتاده بود. چیزی از درب و محل آن به نظر نمی‌رسید.

در ناحیه رکن شامی داخل کعبه، برآمدگی یک متر در یک متر وجود داشت که نشان دهنده درب بام کعبه بود. لیکن همانطور که پیشتر اشاره شد، همان پرده مخصوص بر روی آن افتاده بود که چیزی در ظاهر نمایان نبود. سکوت عجیبی بر داخل بیت حاکم بود، با تمام آن همه‌مه و سر و صدا در خارج کعبه، هیچگونه صدایی به داخل نفوذ نمی‌کرد. سکوت بود و تاریکی و صداهای ناله و اشک و زاری که افراد به صورت نجوا هر کدام در گوشه‌ای گاه در

که با سقف دوم و پرده‌ای که توصیف آن گذشت، دیگر روشنایی و نور به داخل بیت نفوذ نمی‌کند.

زمین کعبه از سنگهای مرمر سفید متمایل به زرد پوشانیده شده است که تعداد آنها تقریباً ۳۸ یا ۴۰ عدد بود.

مدت ۱۸ دقیقه لحظات زیبا و فراموش نشدنی را داخل بیت گذراندم پس از اتمام این لحظات، کلیه افراد را امر به خروج از کعبه نموده و فضا را برای دیگر مهمانان مهیا ساختند.

مجدداً در سال ۱۴۱۷ هـ. ق. بر اثر رطوبتی که در طول سالها از بام کعبه به داخل نفوذ کرده بود، سقف دچار ترک‌هایی گشته و برخی دیوارها هم شکم داده و یا شکافهایی برداشته بود. فرمانی صادر شد که انجمنی از علما و مهندسين تشکیل گردد و موارد را بررسی نموده و در مورد اصلاح آن چاره اندیشی و تبادل نظر نمایند. بدین لحاظ از تاریخ جمادی الاول ۱۴۱۷ در اطراف کعبه، پوششی چوبی قرار دادند به طوری که از کعبه فقط حجر الاسود، امکان دسترسی داشت و به مدت سه ماه عملیات ساختمانی ترمیم بیت را شروع نمودند که این عملیات در تاریخ ۲۰ رجب ۱۴۱۷ به پایان رسید.

رکوع و گاه در سجود و عده‌ای در حالی که خود را به دیوارهای داخل بیت چسبانیده و دستها را به حالت نیاز بر دیوار نهاده بودند، چیزی شنیده نمی‌شد.

روحانیت عجیبی در این مکان حاکم است. آدمی پس از ورود، از خود بیخود می‌شود.

هر شخصی به صورتی با معبود خود در راز و نیاز است.

اندازه اضلاع درونی کعبه از گوشه حجر الاسود تا گوشه شامی حدود (۷/۸۰ متر) و فاصله میان رکن یمانی و رکن حجر الاسود ۶/۵ متر می‌باشد. بنابراین مساحت تقریبی داخل بیت حدود پنجاه متر است.

در داخل بیت، جانب رکن یمانی، هیچگونه آثاری از شکاف ورودی حضرت فاطمه بنت اسد به هنگام زایمان حضرت امیر، علی بن ابیطالب - ع -، وجود نداشت. ناصر خسرو در سفرنامه خود، به روزنه‌هایی در چهار رکن سقف کعبه اشاره می‌کند که این روزنه‌ها به شکل مربع و دارای سنگ مرمر شفاف یمنی بوده است که با تابش اشعه آفتاب، داخل بیت بدانها روشن می‌گردیده است.

فعلاً از این روشنایی خبری نیست و شاید در سقف اصلی بیت قرار داشته است

شخصی در جلو کاروان سینی و منقلی مخصوص به دست داشت و بخار عودی بسیار خوشبو در فضا متصاعد می‌نمود، به طرف بیت در حرکت بودند. عبدالله بدون آن که طوافی کند مستقیماً وارد بیت گردید و این امر خود مسأله عجیبی بود. پس از ۱۷ سال این اولین باری بود که مقامی عالی رتبه جهت شستشوی کعبه به مسجد وارد می‌شد. مراسم شستشو با آب زمزم و گلاب و عطر افشانی داخل کعبه حدود ۴۰ دقیقه به طول انجامید. در این لحظات هرچه فعالیت نمودم، متأسفانه توفیق ورود به حلقه و نزدیک شدن به خانه کعبه نصیبم نگردید. در لحظاتی که مأیوس از تشرف در حال خارج شدن از مسجد الحرام بودم ناگاه چشمم به گروهی از شخصیتها افتاد در حالی که مأمورین دولتی اطراف آنان بودند، از بین صحبتها شنیدم که به هم می‌گفتند انشاء الله فردا ما مشرف به داخل بیت خواهیم شد.

در روز چهارشنبه ۷ شعبان ساعت ۵/۵ صبح به مسجد الحرام رفته و پس از ادای نماز صبح، به محل تجمع آنان که در زیر اتاقک شیشه‌ای، مقابل رکن حجر الاسود، در کنار ستونهای رواق اطراف مسجد بود، نشست و مشغول تلاوت قرآن

در همین ایام؛ یعنی در تاریخ ۲۶ رجب که همزمان است با شب مبعث پیامبر گرامی اسلام، بار دیگر توفیقی نصیبم گردید و عازم عمره شدم. پس از یک هفته اقامت و زیارت در مدینه الرسول، در تاریخ یکشنبه، ۴ شعبان به مکه وارد شدم.

روز دوشنبه، ۵ شعبان، حدود ساعت ۱۰ صبح، درب کعبه را باز نمودند و مشغول تمیز کردن و انتقال وسائلی از داخل بیت شدند. پس از پرس و جو معلوم گردید که روز سه‌شنبه ۶ شعبان مراسم شستشوی رسمی بیت توسط شاهزاده عبدالله، ولیعهد، صورت می‌پذیرد.

از ساعت ۶ صبح، سه‌شنبه ۶ شعبان، مقررات ویژه‌ای در مسجد الحرام، حاکم بود. اطراف بیت با وسعت زیادی، خالی از طواف کنندگان گردیده بود. تا ساعت ۷¼ صبح، کلیه سفرا و نمایندگان پارلمانهای کشورهای اسلامی، از آن جمله سفیر جمهوری اسلامی ایران حجة الاسلام نوری شاهرودی، هر کدام برای چند دقیقه به داخل بیت مشرف شدند.

حوالی ساعت ۷/۲۰ صبح، ولیعهد به همراه بیش از ۴۰ تن از برادران و امرای شهرهای مختلف حجاز و بزرگان کشوری وارد مسجد الحرام شدند و در حالی که

گزارده بودند. از پلکان بالا رفته و درب خانه را باز کردند.

ایرانیان موجود در مسجد که همگی اطراف مقام ایستاده و نظاره‌گر جریان بودند، پس از گشوده شدن درب خانه صلواتی فرستادند. همه مهمانان بپا ایستاده و فشار زیادی جهت ورود به پلکان بود، و من هفتمین نفر بودم که بار دیگر توفیق تشریف بدین جانب داده شد.

امسال مدت تشریف داخل بیت حدود ۴۰ دقیقه بود.

پس از آن که در رکن‌های مختلف و نقاط دیگر بیت، نماز خواندم، داخل بیت پس از تعمیر مجدد، تغییرات زیادی کرده بود که مشهودات خود را به قلم تحریر در می‌آورم:

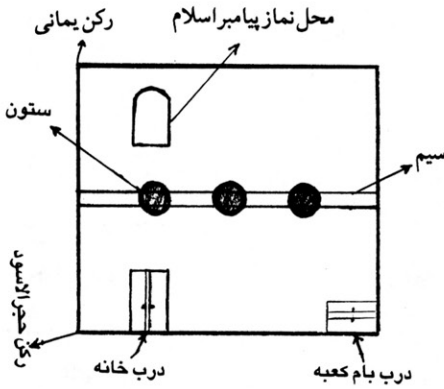
سقف دومی را که در داخل بیت، زیر سقف اصلی قرار داشت، برداشته بودند.

دیوارها $\frac{2}{3}$ از ارتفاع کف تا سقف، همه سنگ مرمر خاکستری روشن بسیار زیبا شده است. و $\frac{1}{3}$ باقی بالای سنگها، به همراه سقف خانه، از پارچه حریر سبز رنگی که مزین به اسماء مبارک خداوند بود پوشانیده شده؛ همانند پارچه‌ای که بر روی قبر مبارک پیامبر افتاده است از قبیل لا اله الا الله و محمد رسول الله.

گردیدم. از ساعت ۶/۵ یکی یکی را دیدم آمدند و در آن محل یاد شده، دور هم جمع گردیدند. بطوریکه هیئت لباس بنده طوری بود که بعضی از آنان با بنده سلام و احوالپرسی کرده و در اطرافم نشستند. اوائل ساعت ۷ صبح جمعیتی در حدود ۶۰ نفر در این ناحیه جمع شده بودند که تقریب بنده در مرکزیت این جمع قرار گرفته بودم.

ساعت ۷/۵ صبح بود که میزبانی آمده و همه را دعوت به طرف حجر اسماعیل کردند و من هم در جمع بلند شده، در حالی که با چند نفر از آنان مشغول صحبت بودم، به حرکت در آمدم. در کنار حجر اسماعیل از درب کنار رکن غربی، جمعیت را وارد حجر می‌نمودند. فشار شدیدی بود. پلیس جمعیت را کنار می‌زد تا مهمانان را وارد نماید. به هر حال ما هم جزو مهمانان توفیق پیدا کردیم که وارد حجر شده و سپس به کنار پلکان ورودی کعبه، همان پلکان سال قبل آمده بر روی زمین نشستیم. مشغول دعا بودم و به اطراف نظاره می‌کردم. حوالی ساعت ۷/۵۰ دقیقه بود که دو نفر از افراد بنی شیبه؛ یعنی کلید دارهای کعبه وارد حلقه شدند، در حالی که کلید درب خانه را در کیسه‌ای سبز رنگ به سینه چسبانیده و دست دوم را روی آن

خاطرات



در گوشه دست راست خانه، کعبه پس از ورود؛ یعنی در رکن شامی یک متر به داخل کعبه برآمدگی وجود دارد و درب یک لنگه‌ای مطلا که به طرز بسیار زیبایی با آیات قرآن آراسته گردیده قرار داشته که درب بام کعبه می‌باشد. همچنین قفلی مستطیلی که باز از طلا و به آیات قرآن مزین گردیده، بر آن زده شده بود. این درب به طرف راست باز می‌شود. در دیوار بین رکن حجر الاسود و رکن شامی؛ یعنی دیواری که پس از ورود به کعبه در سمت راست قرار می‌گیرد لوح یادبودی سنگی بر دیوار قرار داشت. اولی یادبودی از تعمیرات و ترمیمی که در زمان ملک خالد در سال ۱۳۹۷ هجری صورت گرفته است و کلیه تغییراتی که در بیت صورت گرفته بر آن تابلو حک گردیده بود. این لوح از سنگ مرمر زرد رنگی تشکیل شده است. لوح دوم باز از سنگ مرمر زرد رنگ بود که شفاف‌تر

سه ستون بسیار زیبایی در وسط کعبه قرار داده شده که پایه‌های این ستونها، از روی زمین به ارتفاع ۲۵ سانتیمتر، از همان سنگ مرمر خاکستری موجود در کف و اطراف، ساخته شده و باقی ستون تا سقف از چوب قهوه‌ای زیبایی روکش گردیده است. این چوبها به قطر ۵ سانتیمتر بود که به صورت نوارهایی از بالا تا پایین روکش گردیده است.

بنابراین از کف کعبه ارتفاعی حدود ۹ متر را می‌تواند دید که دیوارها $\frac{۲}{۳}$ از سنگ و $\frac{۱}{۳}$ باقی از بالا توسط پارچه پوشانیده شده است که این پارچه، سقف را هم دربرمی‌گیرد.

دو مفتول سیمی از دو طرف کعبه به طوری که سه ستون در وسط کعبه را دربرگرفته است، کشیده شده که بیش از ۷۰ عدد وسائل نقره‌ای که بعضی از آنها مطلا بود، بدان آویز گردیده است.

این وسایل اشیایی از قبیل آفتابه، لگن، قهوه خوری و کاسه‌های مختلف و از این قبیل اشیا در سرتاسر کعبه آویزان گردیده است. که پس از تحقیق اظهار کردند که این وسائل از زمان رسول اکرم - ص - تا کنون جزو عتیقه‌های خانه کعبه، در کعبه نگهداری می‌شود.



بر روى ديوار قرار داشت كه تابلو اول دست راست به مساحت حدود 40×80 سانتيمتر بود اين لوح از سنگ مرمر زرد رنگى ساخته شده است. در متن تابلو عبارت «الملك المنصور المنتصر بالله» را توانستم بخوانم و «ترميم ركن يمانى» كه سنه تحرير سنگ ٦٢٩ هجرى بود.

لازم به ذكر است كه در سال ٥٥٩ هجرى، ركن يمانى بر اثر زلزله فرو ريخت و خراب شد كه در سال ٦٢٩ هجرى المستنصر عباسى آن را تعمير كرد.

لوح دوم از سمت دست راست (بين ركن غربى و ركن يمانى)

سنگى زرد رنگ و بسيار قديمى كه در ابعاد 35×70 سانتيمتر بود و اشعارى را دو طرف آن ظاهراً احساس نمودم ليكن بقدرى خطوط سايبده شده بود كه نتوانستم حروف را تشخيص دهم و نه سال تحرير آن را. لوح سوم لوح سنگى برجسته بسيار زيباى بود كه ابعاد آن حدود 80×80 سانتيمتر بود كه باز از سنگ مرمر زرد رنگ بسيار زيباى بود. اطراف چهارگوشه آن دايره هاى برجسته بر روى سنگ وجود داشت. متأسفانه هيچ كلمه اى را نتوانستم بخوانم. لوح چهارم، تابلو مربع شكل از سنگ تيره به ابعاد 45×45 سانتيمتر - تقريباً - بود كه با خط كوفى جملات «لا اله

و زيباتر از آن مى نمود و تمامى تغييرات و ترميم هاى كه اخيراً توسط ملك فهد صورت پذيرفته بود در اين تابلو وارد شده است. اين تغييرات شامل تغيير سنگهاى شادروان كه از سنگ مرمر زيباى پوشانيده شده است و بر روى هر قطعه سنگ مرمر، يك حلقه فلزى طلايى چسباننده اند كه محل اتصال پرده كعبه مى باشد.

تعداد قطعات سنگهاى مرمر شادروان در فاصله ركن يمانى تا ركن غربى ١٧ عدد مى باشد و تعداد سنگهاى مرمر از ركن يمانى تا ركن حجر الاسود ١٥ قطعه بود و همانطور كه پيش از اين گفته شده بر روى هر کدام يك حلقه طلايى نصب گرديده و پرده كعبه را بدان اتصال مى دهند. تغيير ميزاب و ترميم آن، ترميم پله بام كعبه و تذهيب درب آن، سنگفرش كردن كف كعبه و ديوارها و برداشتن سقف داخلى كعبه و ترميم سنگهاى بام كعبه و تعويض آنها، تعويض ستونهاى داخلى كعبه از تغييراتى است كه در اين ترميم آمده و در لوح حك گرديده است به تاريخ رجب ١٤١٧.

لوح سنگى سوم بسيار قديمى بود و هر قدر دقت كردم متأسفانه نتوانستم كلمات آن را بخوانم. در ديوار مقابل؛ يعنى بين ركن غربى و ركن يمانى شش لوح يادبود سنگى

پس از آن که تمامی خصوصیات و زوایای کعبه را به ذهن سپردم به این ناحیه آمدم و دیدم همان شخصی که کلید درب کعبه در دست وی بود و مردی میانسال به نظر می‌رسید بر روی آن نشسته است.

جلو رفته و پس از سلام سؤال کردم شما از بنی شیبیه هستید جواب داد آری، چندین بار او را بوسیدم و او هم مرا در بغل گرفت. بدو گفتم حال که خداوند این توفیق را به من داده و به داخل بیت مشرف شدم، انتظار دارم یادگاری از داخل بیت به همراه داشته باشم و از او تقاضای جاروبی کردم. او قسم یاد کرد که ندارد، سؤال کردم داخل این صندوق که بر روی آن نشسته‌ای چیست؟ جواب داد کلیدهای درب خانه و درب بام کعبه. گفتم این توفیق را نصیبم کن که داخل صندوق را ببینم. از جایش بلند شد و درب صندوق را بلند کرد. همانطور که گفته بود، صندوق خالی بود فقط دو کیسه سبز رنگ در دو طرف کف صندوق خود نمایی می‌کرد. و قفل درب خانه کعبه که باز شده بود در کناری قرار داشت. دستهایم را داخل صندوق برده و پس از کشیدن به اطراف صندوق و بروی کلید و قفل به عنوان تبرک، به چهره خود مالیدم مجدداً او را بوسیده و از مرحمتش تشکر کردم و او هم تشرف مرا به

الا الله» و «محمد رسول الله» در چهار طرف این سنگ به طرز زیبایی ترسیم شده بود خطوط سفید رنگ بود بر زمینه‌ای تیره. لوح پنجم باز برای اینجانب غیر قابل تشخیص و خواندن بود. لوح ششم که در چند سانتیمتری رکن یمانی قرار داشت، باز از سنگ مرمر زرد رنگ پریده‌ای تشکیل شده بود. ابعاد آن حدود 40×70 سانتیمتر و از حروف و کلمات زیادی نوشته شده بود که اینجانب فقط کلمه «الملك المظفر ابونصر» را در وسط توانستم بخوانم و سنه تحریر آن ۸۲۷ هجری بود.

البته کلیه این لوحها در ارتفاعی حدود ۱۸۰ سانتیمتر زمین بر روی دیوار نصب گردیده بود که این لوحها طوری نصب گردیده که لبه آنها هیچ فرورفتگی یا برآمدگی در سطح دیوار به وجود نیاورده است.

از تغییرات دیگری که در داخل کعبه به وجود آمده است بین ستون اول سمت چپ و ستون وسط؛ یعنی تقریباً پس از ورود، مقابل درب کعبه صندوق بزرگی است به ابعاد یک متر در ۷۰ سانتیمتر که از همان سنگ مرمری که در دیوارها و کف کعبه استفاده شده، ساخته‌اند و در این محل قرار داده‌اند.

شکل محرابِ گرد بود همانطور که در شکل ترسیم شده است:



آنان که توجه داشتند، سعی می‌کردند روی آن سنگ دو رکعت نماز به جای آورند که محل نماز پیامبر اسلام در روز فتح مکه بوده است.

به هنگام خروج بار دیگر به رکن حجر الاسود آمده، دو رکعت نماز گزاردم و مقداری از چوبهای جاروی شستشوی روز قبل در گوشه رکن حجر الاسود و در پشت درب خانه کعبه افتاده بود. تمامی آنها را به عنوان تبرک جمع کردم و از بیت اشرف خارج شدم. لحظات زیبایی را سپری کرده بودم، ساعت حدود ۸/۴۰ دقیقه بود که از پلکان پایین رفته و ایرانیانی را در پشت حلقه پلیس مشاهده کردم. از حلقه خارج شدم همه اشک شوق می‌ریختم. ایرانیان همه مرا می‌بوسیدند و عبا و لباس مرا به چشمان و صورت خود می‌مالیدند. پس از سجده شکر که خداوند این توفیق را به من داده بود مسجد الحرام را به سوی محل اقامت ترک نمودم.

وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

داخل بیت تبریک گفت و مکرر کلمه «الحمد لله علی التوفیق» را تکرار می‌کرد.

فضای داخل بیت روح و طراوت تازه‌ای به خود گرفته بود به نظر می‌آمد که از تاریکی آن کاسته شده و شاید این تصویری بود که بر اثر توقف طولانی در داخل آن محیط تاریک، به چشم‌هایم دست داده بود. از گرمای داخل کعبه کاسته شده بود و ظاهراً می‌تواند به خاطر بلند شدن سقف داخلی کعبه باشد به اطراف هرچه نظر کردم تهویه‌ای ندیدم و می‌توانم اظهار نمایم که نقطه‌ای نماند که در این ۴۰ دقیقه آن را درک نکرده باشم. به تمامی درب و دیوار تا آنجا که دست‌ان می‌رسید دست کشیدم. ستونها را بغل کردم، درب بام کعبه را نقطه به نقطه چهره مالیده و بوسیدم تمامی زوایا را درک نمودم. نقطه دیگری که وجود داشت در دیوار مقابل درب خانه کعبه یعنی بین رکن یمانی و رکن غربی در زیر تابلوی چهارم که همان تابلو لا اله الا الله و محمد رسول الله است، کمی به طرف چپ و به طرف رکن یمانی که فاصله‌ای در حدود یک متر و نیم از رکن یمانی سنگی قهوه‌ای به ابعادی که عرض آن به اندازه دو پای دو زانو زده، یعنی حدود ۳۵ سانتیمتر و طول آن حدود ۷۰ سانتیمتر بود که بالای سنگ به

